

فعل وصل ملتوی آنست که در زمانه فاعل اسم
 یامل حرف علیه بود همچون وئی ووشی ووزن
 فعل وصل **اسم بر وستم** اسم جامد و اسم مصدر
 اسم جامد آنست که از وی چیزی شتقاق کرده
 نشود همچون وصل و فوس اسم مصدر است که از وی
 چیزی شتقاق کرده شود و در اخیر مع کار می
 دال نون و مآ تا نون باشد همچون بقرت زد
 و قبتی کشتن **عرب از هر مصدری** دواز
 چیزی شتقاق میکنند نامی و مضارع اسم و اسم
 محذوفی هر وی اسم زمان و اسم مکان اسم
 الت و اسم تفضیل یا صی زمان که شته را گویند
 مضارع زمان آینده گویند اسم فاعل نام کننده
 را گویند اسم نام کرده **عرب از هر مصدری**



نهی

فعلی که در سبیل امر فرمودن نمی باز و جهت آنست
 های کردن کاری اسم الت نام آنچه کار با و
 کند اسم تفضیل نام بهتر ضرب ضرب ضرب
 و ذاک مضروب لاضرب لاضرب لاضرب
 مضرب مضرب مضرب مضرب زردی مرد در زمان
 که است ضعیف می یضرب نیزند وی مرد در زمان
 فعل مضارع مضرب از دن مصدر مضرب مضرب
 اسم فاعل و ذاک مضروب بکند زده **عرب از هر**
 بضر زردی مرد در زمان که است فعل محذوف
 لاضرب نیزند وی مرد در زمان که است فعل محذوف
 ضرب زن تو مرد هر صاع لاضرب نیزند وی مرد در زمان
 لاضرب زن تو مرد وی حاضر مضرب های زن و
 زدن اسم زمان و اسم مکان مضرب الت از دن

نهی

Copyright © King Fahd University